

## نبی و محبت، ربوبیت و عبودیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، أَسَلِّمُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

تبریک به مناسبت بعثت رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» بعثتی که بزرگترین عطا‌ی الهی است به آخرین انسان‌ها، انسان‌هایی با عمیق‌ترین ظرفیت.

به امید آن که در غلیظ‌ترین ظلمات آخرالزمانی بیشترین بهره را از این دین ببریم.

۱- حضرت رب العالمین در توصیف دغدغه رسول خداوند «صلوات الله علیه وآله» در راستای نگرانی آن حضرت نسبت به غفلت‌ها و انحرافات‌ی که مردم داشتند؛ می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه/۱۲۸) هان ای انسان‌ها! متوجه باشید پیامبری از جنس خودتان و در موقعیتی که در این زمین دارید، به سوی شما آمده است، برای او بسی گران است که شما این چنین در زحمت و سختی هستید و جهت هدایت شما سخت در تلاش است و به مؤمنین به آن دین که توانستند در موقعیت جهانی که ظلمات بر آن سیطره دارد، به آن دین رجوع کنند، بسیار مهربان و یگانه است.

آیا ما می‌توانیم در این زمانه نسبت خود را از طریق هر چه بیشتر پاسداشتن شریعت محمدی «صلوات الله علیه وآله» با آن حضرت یگانه کنیم تا شخصیتی در وسعت شخصیت ایشان ذیل وجود آن حضرت در خود زنده و احیاء نماییم؟

۲- خداوند در قرآن در رابطه با آن که خواسته است ما در زندگی زمینی سرگردان نباشیم و محبت خود را در عمیق‌ترین صورت به ما عطا کند؛ می‌فرماید: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء/۱۰) هان ای انسان‌ها! ما کتابی را به سوی شما نازل کردیم که در آن کتاب به یاد شما بودیم تا در امورات خود سرگردان نباشید، آیا نسبت به این موضوع یعنی راز نزول قرآن و نسبت به موقعیت خود، یعنی زندگی زمینی، برای هر چه بیشتر متعالی شدن تعقل و تفکر نموده‌اید؟ ما در کتابی که در آن به یاد ما بوده‌اند، یعنی قرآن چه رویکردی باید داشته باشیم تا آن محبت را بی‌جواب نگذاریم و از آن بهره‌مند شویم؟

۳- خداوند نسبت به جایگاهی که رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» در این عالم دارند می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/۲۹) حضرت محمد «صلوات الله علیه وآله» فرستاده حضرت الله است و آن‌هایی که او را همراهی کنند و با او باشند، انسان‌هایی هستند که نسبت به دشمنان حقیقت شدت به خرج می‌دهند و نسبت به همدیگر سخت مهربان هستند.

پیامبر خدا «صلوات الله علیه وآله» جز رحمت و مغفرت برای مردم نخواستند و تقاضای آن حضرت از خداوند این بود: «إِنِّي لَمْ أُبْعَثُ لِعَانَا، وَلَكِنِّي بُعِثْتُ دَاعِيًا وَرَحْمَةً، اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» من برانگیخته نشده‌ام تا انسان‌ها را نفرین کنم، بلکه من برای دعوت [به حق] و رحمت برانگیخته شده‌ام. خدایا قوم مرا هدایت کن، زیرا آن‌ها نمی‌فهمند.

با نظر به شخصیت حضرت محمد «صلوات الله علیه وآله» و افقی که آن حضرت در مقابل بشریت می‌گشایند، انسان‌ها می‌توانند وسعت شخصیت همدیگر را بیابند و نسبت به همدیگر گشودگی پیدا کنند، غفلت از این امر موجب شده تا امروزه، مسلمانان و حتی شیعیان آن‌طور که شایسته است سعی نمی‌کنند همدیگر را بفهمند و آینه همدیگر باشند، در حالی که گشودگی انسان‌ها نسبت به همدیگر، در بستر روح محمدی «صلوات الله علیه وآله» نیاز اساسی این تاریخ است و در این رابطه رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» می‌فرمایند: «الْحُبُّ اسَاسِي» محبت ورزیدن، اساس وجود من است، از آن جهت که آن حضرت «رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ» بودند و نیاز اساسی این تاریخ که تاریخ گشودگی انسان‌ها نسبت به همدیگر است از طریق «معیت» با رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» پیش می‌آید، زیرا با «معیت» رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» است که انسان‌ها وسعت همدیگر را درک می‌کنند؛ و جهانی که از طریق انقلاب اسلامی پیش آمده، راهی می‌شود تا بتوان از آن طریق

هیمنه جهان استکباری را که همواره تکبر و دوگانگی‌ها را می‌پراکند، در هم شکست و آن را فتح کرد، فتحی که با شمشیر به نهایت نمی‌رسد بلکه با «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» در بین جامعه اسلامی و انسانی پیش می‌آید تا جهان استکباری بی‌معنا گردد و این بزرگ‌ترین پیروزی برای ما و بزرگ‌ترین شکست برای دشمنان اسلام و انسانیت خواهد بود.

۴- خداوند در راستای جوابِ طلبِ مؤمنین در هر زمانه‌ای، با جلوه‌ای از هدایتِ خود به میان می‌آید تا خلأ وجودیِ آن‌ها را نسبت به هدایتی که نیاز دارند، برطرف نماید و در همین راستا فرمود: «يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرَّحْمَنُ/۲۹) همواره هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از او طلب و تقاضاها دارند و خداوند نیز در هر روز و روزگاری با شأنی که مناسب ظرفیت و طلب مخلوقات است، برای آن‌ها به ظهور می‌آید و موضوع نبوتِ آخرین پیامبر که جوابگویی به عمیق‌ترین و اصیل‌ترین نیازهای انسان آخرالزمانی است؛ نیز در همین راستا پیش آمده است و باید جایگاه «نبی و نبوت» را در این زمانه به عنوان اصیل‌ترین جواب به تقاضای ما در نظر گرفت. از آن جهت که خداوند نظر به ظرفیت و امکان ذاتی همه مخلوقات دارد و جوابگویی آن ظرفیت‌ها می‌باشد.

۵- با توجه به نکته فوق، به این نکته اساسی باید فکر کرد که اگر حقیقتِ انسان «عین ربط» به حضرت حق می‌باشد و معنای انسان در این راستا عبودیتِ او است تا هر چه بیشتر در معنابخشی به خود زنده و زنده‌تر بماند؛ باید به راهی فکر کرد که با حضور در آن راه جواب عبودیت انسان‌ها به بهترین نحو داده می‌شود و آن ظهور ربوبیت حضرت ربِّ العالمین است و این جا است که جایگاه نبوت به عنوان ظهور ربوبیتِ ربِّ برای جوابگویی به عبودیتِ عبد معلوم می‌شود، جایگاهی که انسان از پوچی و بی‌معنایی به کلی رها خواهد شد، زیرا نبوت، جبرانِ هبوطی است که انسان با نزدیکی به شجره ممنوعه بر سر خود آورد موجب خروج آن‌ها از بهشت گشت و اگر دین خداوند به کمک انسان‌ها نمی‌آمد عامل ایجاد دشمنی‌های فراوانی می‌شد<sup>۱</sup> ولی خداوند از سر رحمت و دلسوزی فرمود: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۳۸) گفتیم‌شان آری! همگی‌تان از آن بهشت فرو روید، پس چون از طرف من هدایتی به سوی شما آمد هر آن کس از آن هدایت تبعیت کند، از آن به بعد، نه از گذشته سراسر غفلتش آزار خواهد دید و نه آینده او تیره و تار می‌ماند و به گفته جناب سعدی این یعنی: «باز به سرِ محبت آمدنِ حضرت ربِّ العالمین» با این که ما از فرمان او سرپیچی کردیم و به شجره نزدیک شدیم.

جناب سعدی خطاب به پیام آورِ نبوت می‌گویند:

ای نفس خرم باد صبا  
از بر یار آمده‌ای مرحبا  
بر سر خشمست هنوز آن حریف  
یا سخنی می‌رود اندر رضا

آری! نبوتِ نبیِّ ظهورِ محبت الهی است در جوابِ محبتی که رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» به مردمان داشتند و در نتیجه انسان‌ها با رعایت دستورات شریعت محمدی «صلوات الله علیه و آله» اصیل‌ترین مبنای خود را که همان «عبودیت» است احساس می‌کنند، تا در افق جان آن‌ها «ربوبیت» حضرت معبود، بیش از پیش به ظهور آید و همراه با حضرت سجاد «علیه السلام» اقرار نمایند: «فَرَّبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَ أَحَقُّ بِحَمْدِي» پس پروردگار من پسندیده‌ترین چیز نزد من خواهد بود و شایسته‌ترین است در این که او را ستایش کنم.

والسلام

<sup>۱</sup> در این رابطه قرآن می‌فرماید: «وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» (بقره/۳۶)